

فرق قیمت‌های جهانی با قیمت‌ها در جهان

اشاره :

در محاسبات مربوط به تولید ناخالص ملی، به میزانی که یارانه به کالاها و خدمات تعلق می‌گیرد، میزان تولید ناخالص ملی، از مبلغ واقعی کمتر محاسبه می‌گردد و لذا استفاده از ملاک قیمت جاری اینگونه تولیدات و خدمات در بازار جاری، در ارزیابی و مقایسه توان اقتصادی کشورها موجب اشتباه در ارزیابی‌ها می‌گردد.

تولید ناخالص ملی یا GNP عبارت است از کل ارزش بازاری (جاری) کلیه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در اقتصاد یک کشور طی دوره زمانی خاص (یک سال مالی). در محاسبه تولید ناخالص ملی، معمولاً از روش تولید استفاده می‌گردد. در این روش، تولید ناخالص ملی از مجموع حاصلضرب تولیدات کالاها و خدمات مختلف در قیمت‌های جاری بازار حاصل می‌گردد.

در این محاسبه که قیمت جاری کالاها و خدمات تولیدی به قیمت بازار مد نظر قرار می‌گیرد، فقط کالاها و خدمات نهایی محاسبه می‌گردد و قیمت کالاهای واسطه‌ای در نظر گرفته نمی‌شود. محاسبه کالاهای نهایی بدین منظور است که کالاهای واسطه‌ای دو بار محاسبه نگردد. مثلاً یک بار گندم و یک بار آرد را در تولیدات محاسبه نکنند. دولتهایی

که از کالاها و خدمات، مالیات اخذ می کنند، عملاً مالیات دریافتی که در قیمت بازار کالا اثر دارد نیز جزو تولید ناخالص ملی محاسبه می گردد و کشورهای که یارانه پرداخت می کنند، به دلیل تأثیر در کاهش قیمت بازار آن کالا، تولید ناخالص کمتری را نمایش می دهد و همین امر موجب اشتباه در محاسبه واقعی ارزش تولیدات در کشورهای مختلف میگردد، اشتباهی که در ارزیابی مقایسه ای توان تولیدی کشورهای مختلف، ایجاد اشکال می کند. به طور مثال، در حالی که نفت خام تولیدی، در ایران در صورت صدور، به قیمت صادرات آن ارزیابی می شود، لیکن وقتی به عنوان کالای واسطه ای برای تصفیه به پالایشگاه های کشور برده می شود، چون فرآورده ها با یارانه زیادی در کشور عرضه می گردد، علیرغم افزایش واقعی در ارزش آن، کاهش میزان آن در محاسبه تولید ناخالص ملی را موجب می گردد.

به عنوان نمونه، یک میلیون بشکه گازوئیل تولیدی در ایران، فقط به اندازه دو میلیون دلار در تولید ناخالص ملی محاسبه می گردد، حال آنکه این مقدار تولید در کشورهای همجوار ایران، نظیر ترکیه و پاکستان ۵۰ میلیون دلار، یعنی ۲۵ برابر ایران محاسبه می شود. این تفاوت به این دلیل است که در ایران گازوئیل که ارزش هر بشکه آن حدود ۲۵ دلار است، با تعلق یارانه، بشکه ای ۲ دلار عرضه می گردد، حال آنکه در دو کشور فوق الذکر با اخذ حدود ۲۵ دلار مالیات در هر بشکه، هر بشکه گازوئیل را حدود ۵۰ دلار در بازار عرضه می کنند. این در حالی است که ارزش واقعی گازوئیل به عنوان حامل

انرژی، در همه کشورها یکسان است. چنین اشتباهی در کلیه کالاها و خدمات یارانه ای رخ می دهد و کارشناسان را در ارزیابی توانایی های واقعی کشورهای مختلف گمراه می کند.

ایران سالانه حدود ۱۰ میلیون تن گندم تولید می کند، که با احتساب هر کیلو ۱۰۰ تومان، ارزش آن حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان است که معمولا در سایر کشورها نیز کم و بیش همین مقدار ارزش دارد. با تبدیل آن به آرد، ارزش افزوده ایجاد می گردد که ارزش آن در کشورهای مختلف، بدون احتساب مالیات حدود ۳۰۰ دلار می باشد. چون در ایران با تعلق گرفتن یارانه کلان به آرد، حدودا کیلویی ۱۰ تومان، معادل تنی ۱۳ دلار عرضه می گردد، بنابراین در محاسبه تولید ناخالص ملی اگر تبدیل به نان نشود با فرض تولید ۱۰ میلیون تن آرد، در محاسبه تولید ناخالص ملی، حدود ۱۳۰ میلیون دلار محاسبه می گردد، در حالی که همین مقدار آرد در سایر کشورها، با احتساب قیمت آرد حداقل ۳ میلیارد دلار محاسبه می شود. اما از آنجا که نان محصول نهایی تولید شده است، قاعدتا باید قیمت نان (و نه گندم و آرد) در بازار را در تولید ناخالص ملی محسوب کرد. اگر قیمت هر کیلو نان را ۱۰۰ تومان و میزان نان تولیدی را ۱۵ میلیون تن فرض کنیم، مبلغ ۱۵۰۰ میلیارد تومان معادل حدود ۲ میلیارد دلار در تولید ناخالص ملی ثبت می گردد، حال آنکه با توجه به قیمت نان در سایر کشورها (بویژه در کشورهای غربی) که هر کیلو ۱ تا ۲ دلار می باشد، این مقدار نان تولیدی، بین ۱۵ تا ۳۰ میلیارد دلار، (یعنی

بین ۷ تا ۳۰ برابر) در محاسبه تولید ناخالص ملی مثبت می گردد. این اشتباه محاسبه در مورد ارزش خدماتی نظیر نرخ سفر با اتوبوس و قطار و امثال آن نیز که یارانه به آن تعلق می گیرد نیز صدق می کند.

اما قیمت جهانی چه ربطی به مردم ایران دارد؟!

ایران کالاهای صادراتی خود را به قیمت جهانی صادر می کند، لذا اگر مثلاً بنزین صادر گردد، به قیمت جهانی صادر خواهد شد و پول آن به صندوق دولت، یعنی بیت المال عمومی واریز خواهد گردید و قاعدتاً بر اساس منافع عمومی و بر اساس برنامه

پیشنهادی دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی به نفع همین مردم هزینه می گردد. یا

چنانچه وارداتی صورت گیرد، لزوماً به قیمت جهانی خواهد بود و مطابق آن از کیسه

بیت المال عمومی خارج می گردد. مثلاً در سال ۱۳۸۰ از بابت واردات بنزین از خارج که

به دلیل اسراف در مصرف بنزین دولت ناچار به انجام آن بود، معادل ۸۰۰ میلیون دلار

از کیسه دولت خارج شد و این مبلغ بر اساس قیمت جهانی بنزین پرداخت گردید. مبلغی

که برای واردات بنزین در سال ۱۳۸۰ هزینه شده است، معادل کل بودجه عمرانی استانی

بیست استان کشور در سال ۱۳۸۱، یعنی معادل مجموع کل بودجه عمرانی استانی استان

های همدان، مرکزی، گیلان، گلستان، آذربایجان غربی، کرمان، هرمزگان، کردستان،

لرستان، ایلام، زنجان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، سمنان، یزد،

بوشهر، اردبیل، قم و قزوین می باشد. این مبلغ معادل بیش از ۷ سال بودجه دفتر

مناطق محروم ریاست جمهوری است!

با این مبلغ می توان هزینه ساخت ۲۵ سد بزرگ خاکی، هر یک به گنجایش سد کرج را تامین کرد. جالب آنکه دولت در توزیع این مقدار بنزین وارداتی، عملاً بیش از حدود ۶۰۰ میلیون دلار یارانه داده است که از این مقدار یارانه، سهم دهک اول جمعیتی کشور که ثروتمندترین های جامعه هستند، بیش از ۴۰ برابر سهم دهک آخر جمعیتی یعنی فقیرترین ها بوده است! یارانه اختصاص یافته فقط برای بنزین وارداتی، تقریباً معادل بودجهای است که برای لغو خودگردانی بیمارستان های دولتی سراسر کشور نیاز می باشد و طبیعتاً این محروم ترین اقشار جامعه هستند که از خودگردانی بیمارستان ها (که به ناچار و به دلیل نبود بودجه به آن تن داده شده) آسیب می بینند. این در حالی است که بنزین مصرفی در داخل کشور بسیار بیشتر از میزان وارداتی است که به آن اشاره شد و در نتیجه یارانه بنزین نیز بسیار فراتر از مبلغ مورد اشاره می باشد. یارانه حامل های انرژی مصرفی در ایران معادل ۱۳ میلیارد دلار، یعنی بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان است که ۸ برابر کل بودجه عمرانی استانی کل استان های کشور و معادل ۱۸۴ درصد کل بودجه عمرانی ملی و استانی کل کشور است. به فرض اینکه برای ایجاد هر فرصت شغلی ۵۰ میلیون ریال به صورت بلاعوض اختصاص یابد، مبلغ یارانه سالانه حامل های انرژی معادل ایجاد ۲ میلیون فرصت شغلی است. یعنی ایجاد ۲ میلیون شغل دائمی در سال.

را به سطح کشورهای ثروتمند برسانیم، پس باید به ضرر محرومین و به نفع مرفهین (که درآمدشان بالاتر از متوسط سطح درآمد جهانی است) عمل کنیم و درهای بیت المال عمومی را به روی ثروتمندان بگشاییم؟ آنهم به اندازه ۴۰ برابر نسبت به محرومترین اقشار جامعه؟! وقتی صحبت از قیمت جهانی می شود، یعنی دارایی های دولت کشور و آنچه را که دولت تولید می کند به قیمت جهانی محاسبه کرده و به صندوق خزانه دولت که همان بیت المال عمومی است واریز گردد. نه اینکه به ثروت عمومی چوب حراج زده و در اختیار مصرف کنندگان ثروتمند جامعه قرار گیرد. مگر مردم کشورهایایی که مردمشان فقیر هستند، اجناس وارداتی یا تولیدی را کمتر از قیمت جهانی آن خریداری یا عرضه می کنند؟ در هند و پاکستان که مردم فقیر بسیاری دارد، بنزین لیتری نیم دلار عرضه می گردد. آنها از مصرف کنندگان مالیات می گیرند و ما یارانه می پردازیم. در هند و پاکستان، در اروپا و کشورهای پیشرفته و نیز در حال پیشرفت، هر کس مصرف بیشتری داشته باشد مالیات بیشتری می پردازد و در ایران عکس آن اتفاق می افتد! یعنی ثروتمندها بجای اینکه مالیات بیشتری بپردازند، یارانه بیشتری دریافت می دارند! مطابق با لایحه بودجه مصوب سال ۱۳۸۱ کشور، کل هزینه طرح های آبرسانی به ۱۰۱ شهر کشور، (از ابتدا تا انتهای طرح) معادل ۲۵۷۵ میلیارد ریال است که این مبلغ معادل فقط ۱۰ روز یارانه حامل های انرژی است. پولی که از کیسه ملت فقط از بابت واردات بنزین به قیمت های جهانی در سال ۱۳۸۱۰ خارج شده است، قریب به ۲/۵ برابر کل بودجه

طرح های آبرسانی به ۱۰۱ شهر کشور است.